

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين و صلى الله على سيدنا محمد و آله الطاهرين

اشکال دوم مرحوم آخوند بر دلیل چهارم صاحب فصول بر مقدمه موصله

عرض کردیم مرحوم آخوند بر دلیل چهارم صاحب فصول دو اشکال مطرح فرموده‌اند.

اشکال اول را دیروز بیان کردیم. در اشکال دوم که مقداری با دقت است و جای تأمل دارد مرحوم آخوند می‌فرمایند اصلاً چنین چیزی امکان ندارد، یعنی مولا نمی‌تواند مقدمه غیر موصله را تحریم کند و چنین تحریمی ممکن نیست. چرا؟ برای اینکه این مستلزم دو محذور است. ولو اینکه خود ایشان در عبارت کفایه تصریح به دو محذور نکرده‌اند و به حسب ظاهر شاید یک محذور مراد ایشان است، اما شاید بتوانیم دو محذور از عبارت ایشان استخراج کنیم.

محذور اول: این است که در چنین فرضی که مولا مقدمه غیر موصله را تحریم می‌کند، لازمه‌اش این است که ترک واجب یعنی ترک ذی المقدمه، عنوان مخالفت و اتیان نداشته باشد. لازمه چنین تحریمی این است که مکلف اگر ذی المقدمه را ترک کرد، این ترک الواجب عنوان مخالفت و اتیان نداشته باشد.

برای اینکه طبق همین فرض اگر فرض کردیم مولا مقدمه غیر موصله را تحریم کرده، نتیجه این می‌شود که جواز مقدمه مربوط به مقدمه موصله است. و این بدین معناست که وجوب غیر موصله، مربوط به جایی است که مقدمه حرام نباشد و مورد نهی مولا واقع نشده باشد، یعنی آنجایی که مقدمه جایز است.

وقتی می‌گوییم مولا مقدمه غیر موصله را حرام کرده، معنای این تحریم همین است. یعنی وجوب غیر موصله شامل مقدمه غیر موصله نمی‌شود و وجوب غیر موصله فقط در جایی می‌آید که مقدمه حرام نشده باشد و جایز باشد. از طرفی نتیجه این می‌شود که مقدمه موصله عنوان جواز دارد و مقدمه موصله متعلق برای وجوب غیر موصله است.

در نتیجه تا ایصال در عالم خارج محقق نشود جواز برای این مقدمه ثابت نمی‌شود. اگر مکلف بعد از انجام مقدمه، ذی المقدمه را به اختیار خودش انجام داد و این مقدمه شد مقدمه موصله، آنگاه نتیجه این می‌شود که این مقدمه متصف به جواز است و عنوان جواز دارد و دیگر متعلق برای حرمت مولا نیست و در نتیجه متعلق برای وجوب غیر موصله واقع می‌شود.

اما اگر مکلف ذی المقدمه را انجام نداد، نتیجه این می‌شود که این مقدمه غیر موصله است. آنگاه می‌گویید مولا مقدمه غیر موصله را حرام کرده و مکلف دیگر قدرت بر ذی المقدمه ندارد و ذی المقدمه ترک می‌شود و در ترک آن، اتیان و مخالفتی نیست.

باز این را به عبارت دیگری عرض کنم؛

هر واجبی مشروط به قدرت است. یعنی وجوب هر واجبی منوط به این است که مکلف قدرت بر آن واجب داشته باشد. این قدرت اعم از قدرت عقلی و شرعی است. یعنی وجوب در صورتی ثابت است که مکلف عقلا و شرعا قادر باشد.

از طرفی قدرت در ذی المقدمه، معلول و ناشی از قدرت بر مقدمات است. یعنی کسی قادر بر ذی المقدمه است که قادر بر مقدمات باشد. پس قدرت بر ذی المقدمه ناشی از قدرت بر مقدمات است. آنگاه شما صاحب فصول می‌گویید مولا مقدمه غیر موصله را می‌تواند تحریم کند. اگر مقدمه غیر موصله را تحریم کرده، به این معنا است که مکلف قدرت شرعی این مقدمه ندارد. وقتی چیزی حرام شده به این معنا است که مکلف قدرت شرعی بر آن ندارد. وقتی می‌گوییم مقدمه غیر موصله حرام است یعنی مکلف قدرت شرعی بر این مقدمه ندارد، و گفتیم قدرت بر ذی المقدمه، ناشی از قدرت بر مقدمات است. پس اگر ذی المقدمه ترک شد، که فرض ما این است که ذی المقدمه واجبی از واجبات است، باید بگوییم در این ترک واجب، مخالفت و اتیان از ناحیه مکلف محقق نشده است. این محذور اول است.

پس اگر مولا بخواهد مقدمه غیر موصله را تحریم کند، محذور اول آن این است که باید در ترک واجب و ذی المقدمه، اتیان و مخالفتی محقق نشده باشد، و این واضح البطلان است، این یعنی انجام ذی المقدمه می‌شود به اختیار مکلف، که خواست انجام دهد یا ندهد.

بعد از این توضیحی که عرض شد، عبارت مرحوم آخوند در کفایه را ملاحظه کنید فرموده‌اند: «مع أنَّ في صحة المنع عنه كذلك نظر»؛ در صحت منع از مقدمه غیر موصله اشکال است. «وجهه أنه يلزم أن لا يكون ترك الواجب مخالفة و عصيانا»؛ لازم می‌آید ترک واجب عنوان مخالفت و عصیان نداشته باشد، «لعدم التمكن شرعا منه»؛ چون شرعا تمکن از واجب ندارد، «لاختصاص جواز مقدمته بصورة الاتيان به»؛ چون جواز مقدمه اختصاص دارد بصورت اتیان واجب. یعنی اگر واجب را آورد مقدمه می‌شود که واجب را بیاورد.

توضیح آن را عرض کردیم و می‌بینید چقدر عبارت مرحوم آخوند در اینجا موجز و بصورت مجمل بیان شده است.

محذور دوم: این است که ما اگر گفتیم مقدمه غیر موصله حرام است، معنایش این است که این مقدمه وقتی محقق می‌شود باید صبر کنیم ببینیم ایصال در آن تحقق پیدا می‌کند یا نه؟ ببینیم آیا ذی المقدمه می‌آید یا نه؟ بعد از اینکه ذی المقدمه آمد، آنگاه مولا بعدا مقدمه را واجب کند. می‌فرمایند طبق بیان شما این می‌شود تحصیل حاصل، که می‌گویید مقدمه‌ی غیر موصله حرام است، اگر مقدمه‌ای آمد باید صبر کنیم ببینیم ذی المقدمه‌اش می‌آید یا نه، اگر نیامد بگوییم این شد غیر موصله و حرام، اگر ذی المقدمه آمد آنگاه بگوییم این مقدمه می‌شود واجب. آنوقت این وجوب دیگر چه اثری دارد؟! اینجا می‌شود تحصیل حاصل.

این خلاصه محذور دوم، منتها این محذور دوم یعنی این تحصیل حاصل را، هم می‌توانیم روی مقدمه بیاوریم و هم می‌توانیم روی ذی المقدمه بیاوریم.

بگوییم مراد مرحوم آخوند از تحصیل حاصل، نسبت به وجوب مقدمه است. ایشان می‌گوید اگر شما صاحب فصول می‌گویید مقدمه غیر موصله حرام است، پس باید بگویید ما نمی‌دانیم این مقدمه واجب است یا حرام؟ اگر ایصال به ذی المقدمه داشت، آنگاه می‌گوییم این ذی المقدمه واجب است، اینکه می‌گوییم واجب است دیگر چه اثری دارد؟ این می‌شود تحصیل حاصل.

همچنین می‌توانیم بیان تحصیل حاصل را بیاوریم روی خود ذی المقدمه، به این بیان که بگوییم شما که می‌گویید مقدمه

غیرموصله حرام است، معنایش این است که مقدمه در صورتی وجوب دارد که ذی المقدمه بر آن مترتب شود و موصل به ذی المقدمه باشد.

در نتیجه واجب اینطور می‌شود. چون گفتیم وجوب غیری به مقدمه‌ای متعلق می‌شود که جایز باشد، جواز مقدمه مشروط به ایصال به ذی المقدمه است. الان طبق محذور اوّل گفتیم لازمه‌ی آن این است که انجام و ترک ذی المقدمه در اختیار مکلف باشد. حالا اگر مکلف به اختیار خودش انجام داد، بگوییم بعد از این شارع بگوید این ذی المقدمه‌ای که انجام شده واجب، این می‌شود تحصیل حاصل. بعد از اینکه ذی المقدمه انجام شد، چون قبل از انجام گفتیم در ترک آن عصیان و مخالفتی نیست، اگر در ترک آن عصیان و مخالفتی نشد، یعنی این و عدم انجام آن در اختیار مکلف است. حالا اگر مکلف انجام داد، مولا بگوید هذا واجب، این تحصیل حاصل است.

عرض کردم در عبارت مرحوم آخوند هم می‌شود تحصیل حاصل را روی مقدمه پیاده کرد هم می‌شود روی ذی المقدمه پیاده کرد.

بعد ایشان بعد می‌فرمایند: «وبالجملة: يلزم أن يكون الإيجاب مختصا بصورة الاتيان»؛ ایجاب مختص به صورت اتیان است. این کدام ایجاب است؟ این ظهور در ایجاب ذی المقدمه دارد، ولی با ایجاب مقدمه هم منافات ندارد. بگوییم اگر مقدمه‌ی غیر موصله حرام شد، وجوب غیری مقدمه مختص به صورت اتیان ذی المقدمه است. «لاختصاص جواز المقدمة بها»؛ چون جواز مقدمه اختصاص به این صورت دارد «و هو محال» یعنی اینکه ایجاب مختص به صورت اتیان باشد محال است. «فانه يكون من طلب الحاصل المحال»؛ این تحصیل حاصلی است که محال است.

پس ببینید این اشکال دوّم مرحوم آخوند بر صاحب فصول است.

در این اشکال دوّم، مرحوم آخوند دو محذور بیان کرده‌اند. یک محذور این است اگر مولا بخواهد مقدمه غیر موصله را تحریم کند، باید بگوییم در ترک واجب، عصیان و مخالفتی نیست.

محذور دوم اینکه اگر مولا بخواهد مقدمه غیر موصله را تحریم کند نتیجه آن می‌شود تحصیل حاصل و تحصیل حاصل محال است. منتها ما این تحصیل حاصل را هم نسبت به مقدمه پیاده کردیم و هم نسبت به ذی المقدمه پیاده کردیم.

بررسی اشکالات مرحوم آخوند بر دلیل چهارم صاحب فصول

نتیجه این شد که مرحوم آخوند این اشکالات را بر صاحب فصول وارد کرده، حالا باید دید این اشکالات وارد است یا نه؟

اما اشکالی که در جلسه قبل عرض کردیم، در اشکال اوّل مرحوم آخوند به صاحب فصول فرمودند این دلیل شما، مُثبت ادعای شما نیست.

به چه بیان؟ فرمودند شما می‌گویید مولا می‌تواند مقدمه غیر موصله را تحریم کند، این تحریم اثبات نمی‌کند در مقدمه غیرموصله ملاک و اقتضاء وجوب غیری هم نیست. مدعای صاحب فصول این است که می‌خواهد بگوید در مقدمه غیر موصله مقتضی و ملاک برای وجوب غیری نیست، و این دلیل این را اثبات نمی‌کند.

اینجا اگر مراد صاحب فصول از این استدلال همین باشد، یعنی واقعا صاحب فصول بخواهد با این دلیل بگوید در مقدمه غیر موصله، ملاک وجوب غیری نیست، این اشکال مرحوم آخوند وارد است و این دلیل این را اثبات نمی‌کند.

این دلیل می‌گوید اگر مولا مقدمه غیر موصله را تحریم کرد، این تحریم می‌شود مانع. جایی که تحریم هست، دیگر وجوب غیری بالفعل در کار نیست. اما این اعم از این است که بگوییم مقتضی دارد یا ندارد.

هم مرحوم آخوند و هم مرحوم محقق نائینی از دلیل صاحب فصول چنین مطلبی را فهمیده‌اند که صاحب فصول در مقام استدلال بر عدم وجوب ملاک واجب غیری در مقدمه غیر موصله است.

مرحوم محقق اصفهانی فرموده‌اند صاحب فصول در مقام استدلال نیست. صاحب فصول با این دلیل رابع در مقابل کسانی می‌خواهد استدلال کند که می‌گویند مقدمه موصله محال است. صاحب فصول راحت می‌گوید چطور شما قول به مقدمه موصله را محال می‌دانید، در حالی که مولا می‌تواند چنین تحریمی را انجام دهد. مولا می‌تواند از مقدمه غیر موصله تحریم کند. اگر مولا از مقدمه غیر موصله تحریم کرد، معنایش این است که وجوب، به مقدمه موصله اختصاص دارد.

صاحب فصول با این بیان در مقابل کسانی است که آنها می‌خواهند بگویند مقدمه موصله محال است. این مقدار استدلال در مقابل آنها مانعی ندارد.

پس نسبت به ایراد اوّل مرحوم آخوند اینطور می‌گوییم که اگر مراد صاحب فصول از این استدلال این باشد که بگوید در مقدمه غیر موصله ملاک و اقتضاء برای وجوب غیری نیست، اشکال شما وارد است و این دلیل اثبات نمی‌کند که ملاک و اقتضاء در کار نیست.

اما طبق آنچه مرحوم اصفهانی فرموده اگر صاحب فصول در مقام بیان این است که آنهایی که می‌گویند مقدمه موصله محال است، این دلیل در مقابل آنها باشد، آنگاه این دلیل تام می‌شود.

این نسبت به ایراد اوّل و جواب از ایراد اوّل، منتها این ایراد دوّم باقی می‌ماند که نکته دقیقی بود که مرحوم آخوند فرمودند. بعضی این ایراد دوّم را از مرحوم آخوند پذیرفته‌اند اما باز مرحوم محقق نائینی به ایراد دوّم مرحوم آخوند جواب داده است. فردا اشکال مرحوم نائینی بر مرحوم آخوند را عرض می‌کنیم.

وصلی الله علی محمد و آله الطاهرين